

انقلاب اسلامی ایران، متمایزترین انقلاب جهان

منصور حاجی

انقلاب‌شناسی و موضوعات مرتبط با آن، همواره مورد تجزیه و تحلیل اندیشمندان علم سیاست و جامعه‌شناسی بوده و این گروه از تحلیلگران با ارائه مفاهیم متعدد و تبیین متغیرهای گوناگون درصدد تئوریزپردازی برای انقلاب‌های جهان با هدف تجزیه و تحلیل انقلاب‌ها به لحاظ ماهیت و اهداف آنان بوده‌اند؛ در این میان گروهی از تئوریزپردازان با تکرش‌های فلسفی و علمی از زوایای متعددی انقلاب‌ها را مورد تقسیم‌بندی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱- دیدگاه‌های جامعه شناختی ۲-روانشناختی ۳-اقتصادی ۴-سیاسی.

از دیدگاه گروهی از تحلیل‌گران همانند سئورکین در نهایت گزارئ سر سروب شده افراد در جوامع موجب گردیده تا مردم هر جامعه برای تغییر وضعیت خود انقلاب نمایند و از سوی دیگر افزایش انتظارات مردم، دلیل اصلی انقلاب‌ها از نظر الکسی دو توکولوف بیان شده است. همچنین گروهی از تحلیلگران همانند کارل مارکس تظاهرات موجود در جامعه و نیروهای مالک و کارگر را مبنای تمامی انقلاب‌ها دانسته‌اند و این نظریات تا حدودی بر بسیاری از انقلاب‌ها به وجود آمده و تعدادی از کشورها به ویژه اروپا قابل انطباق است

اما نکته قابل توجه آن است که این گروه از تحلیل‌گران در ارائه تئوری انقلاب‌ها یک وجه مشترک داشته‌اند و آن نیز عدم اعتقاد به تاثیرگذاری دین به عنوان یک متغیر مستقل در تحولات سیاسی می‌باشد. براساس دیدگاه‌های غالب در تئورهای مطرح شده دو نگاه دو دین وجود داشت؛ نگاه اول متعلق به لیبرالیسم بوده که منادی جدائی دین از سیاست می‌باشد و آن را در حد یک حوزه فکری قرار می‌دهد و نگاه دوم در چارچوب عقائد مارکسیست‌ها ارائه و براساس آن، دین به عنوان عامل ایستایی جامعه معرفی می‌گردد و از نظر آنان یکی از شرایط وقوع انقلاب‌ها در کشورها زدودن مظاهر دین از جوامع می‌باشد. این نظریات تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در فضای روابط بین‌الملل حاکم و به عنوان اصول خدشه‌ناپذیر معرفی می‌گردید و با ظهور انقلاب اسلامی عملاً تمامی این دیدگاه‌ها به چالش کشیده شد. انقلاب اسلامی ایران آخرین و بزرگ ترین انقلاب مردمی قرن بیستم با شاخص‌های قدرتمند اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های شیعی موفق گردید

با بسنج توده‌های مردمی به عنوان یک جنبش عظیم مردمی آذنان تمامی تحلیلگران و اندیشمندان عرصه سیاست را به خود مشغول نمایید و در مقابل، این گروه از تحلیلگران از ابتدا به تلاش برای انطباق انقلاب اسلامی با تئورهای رایج خود سسمی کردند تا این حقیقت بزرگ را تجزیه و تحلیل نمایند اما عدم همخوانی مبانی انقلاب اسلامی و متمایز بودن اختصاصی اصلی آن با سایر انقلاب‌های جهان موجب گردید تا نظریه‌های جدیدی از سوی آنان مطرح شود و پیدا نمودن این سؤال که انقلاب اسلامی در ایران چگونه شکل گرفته و نقش عوامل گوناگون در آن چگونه تبیین می‌گردد؟ از مهم‌ترین موضوعاتی است که آذنان تئوریز پردازان عرصه علم سیاست در خود متشغول ساخته است لذا با توجه به اهداف آنان در تجزیه و تحلیل انقلاب اسلامی، نظریه‌هایی همچون فرضیه توطئه، فرضیه مدرنیزاسیون، فرضیه اقتصاد و نظریه مذهب با اعلام نمودن، فرامردان نظریه مدرنیزاسیون اعتقاد دارند مدرنیزسه کردن جامعه ایران موجب گردید تا نهادهای کهنه اجتماعی و مذهبی با نهادهای مدرن در تعارض قرار گرفته و آنجا که سنت‌گرایان شدیداً با روند مدرنیزه شدن به مخالفت می‌پرداختند این امر موجب بروز انقلاب گردید.

آنچه که بدیهی است پیدایش انقلاب اسلامی ایران به دلیل مسأله منحصراً فرود خود در تقابل علمی و عملی با تئوریهای مصطلح جهان قرار گرفته است و در حقیقت اصالت

انقلاب‌شناسی و موضوعات مرتبط با آن، همواره مورد تجزیه و تحلیل اندیشمندان علم سیاست و جامعه‌شناسی بوده و این گروه از تحلیلگران با ارائه مفاهیم متعدد و تبیین متغیرهای گوناگون درصدد تئوریزپردازی برای انقلاب‌های جهان با هدف تجزیه و تحلیل انقلاب‌ها به لحاظ ماهیت و اهداف آنان بوده‌اند؛ در این میان گروهی از تئوریزپردازان با تکرش‌های فلسفی و علمی از زوایای متعددی انقلاب‌ها را مورد تقسیم‌بندی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱- دیدگاه‌های جامعه شناختی ۲-روانشناختی ۳-اقتصادی ۴-سیاسی.

از دیدگاه گروهی از تحلیل‌گران همانند سئورکین در نهایت گزارئ سر سروب شده افراد در جوامع موجب گردیده تا مردم هر جامعه برای تغییر وضعیت خود انقلاب نمایند و از سوی دیگر افزایش انتظارات مردم، دلیل اصلی انقلاب‌ها از نظر الکسی دو توکولوف بیان شده است. همچنین گروهی از تحلیلگران همانند کارل مارکس تظاهرات موجود در جامعه و نیروهای مالک و کارگر را مبنای تمامی انقلاب‌ها دانسته‌اند و این نظریات تا حدودی بر بسیاری از انقلاب‌ها به وجود آمده و تعدادی از کشورها به ویژه اروپا قابل انطباق است

اما نکته قابل توجه آن است که این گروه از تحلیل‌گران در ارائه تئوری انقلاب‌ها یک وجه مشترک داشته‌اند و آن نیز عدم اعتقاد به تاثیرگذاری دین به عنوان یک متغیر مستقل در تحولات سیاسی می‌باشد. براساس دیدگاه‌های غالب در تئورهای مطرح شده دو نگاه دو دین وجود داشت؛ نگاه اول متعلق به لیبرالیسم بوده که منادی جدائی دین از سیاست می‌باشد و آن را در حد یک حوزه فکری قرار می‌دهد و نگاه دوم در چارچوب عقائد مارکسیست‌ها ارائه و براساس آن، دین به عنوان عامل ایستایی جامعه معرفی می‌گردد و از نظر آنان یکی از شرایط وقوع انقلاب‌ها در کشورها زدودن مظاهر دین از جوامع می‌باشد. این نظریات تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در فضای روابط بین‌الملل حاکم و به عنوان اصول خدشه‌ناپذیر معرفی می‌گردید و با ظهور انقلاب اسلامی عملاً تمامی این دیدگاه‌ها به چالش کشیده شد. انقلاب اسلامی ایران آخرین و بزرگ ترین انقلاب مردمی قرن بیستم با شاخص‌های قدرتمند اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های شیعی موفق گردید

با بسنج توده‌های مردمی به عنوان یک جنبش عظیم مردمی آذنان تمامی تحلیلگران و اندیشمندان عرصه سیاست را به خود مشغول نمایید و در مقابل، این گروه از تحلیل‌گران از ابتدا به تلاش برای انطباق انقلاب اسلامی با تئورهای رایج خود سسمی کردند تا این حقیقت بزرگ را تجزیه و تحلیل نمایند اما عدم همخوانی مبانی انقلاب اسلامی و متمایز بودن اختصاصی اصلی آن با سایر انقلاب‌های جهان موجب گردید تا نظریه‌های جدیدی از سوی آنان مطرح شود و پیدا نمودن این سؤال که انقلاب اسلامی در ایران چگونه شکل گرفته و نقش عوامل گوناگون در آن چگونه تبیین می‌گردد؟ از مهم‌ترین موضوعاتی است که آذنان تئوریز پردازان عرصه علم سیاست در خود متشغول ساخته است لذا با توجه به اهداف آنان در تجزیه و تحلیل انقلاب اسلامی، نظریه‌هایی همچون فرضیه توطئه، فرضیه مدرنیزاسیون، فرضیه اقتصاد و نظریه مذهب با اعلام نمودن، فرامردان نظریه مدرنیزاسیون اعتقاد دارند مدرنیزسه کردن جامعه ایران موجب گردید تا نهادهای کهنه اجتماعی و مذهبی با نهادهای مدرن در تعارض قرار گرفته و آنجا که سنت‌گرایان شدیداً با روند مدرنیزه شدن به مخالفت می‌پرداختند این امر موجب بروز انقلاب گردید.

آنچه که بدیهی است پیدایش انقلاب اسلامی ایران به دلیل مسأله منحصراً فرود خود در تقابل علمی و عملی با تئوریهای مصطلح جهان قرار گرفته است و در حقیقت اصالت

انقلاب اسلامی ایران، متمایزترین انقلاب جهان

منصور حاجی



آسان به قدرتهای بزرگ و تاثیرپذیری از ایدئولوژی‌های دیگر مکتب و حرکت در راستای منافع دیگر دولت‌ها می‌باشد.حضرت امام خمینی براساس شیوه خاص خود در ابتداء از وابستگی تعریف جدیدی را ارائه داده و در ارتباط با انقلاب اسلامی آن را از دیدگاه الهی تعریف می‌کند ایشان در این خصوص می‌فرمایند:انقلاب،اسلامی است.نظیر انقلاب‌هایی که در طول تاریخ به دست انبیاء انجام می‌گرفت وابستگی در کار نبود، الا یک وابستگی و آن وابستگی به مبداء وحی و وابستگی به خدای تبارک و تعالی.(۷)ایشان مهم‌ترین دلیل عدم استقلال انقلاب‌ها را متکی بودن آنها به یک وضعیت خاص می‌دانند و بر این مسئله اذعان داشته‌اند که تمامی انقلاب‌های به وقوع پیوسته وابستگی به یکی از قدرتهای بزرگ را داشته‌اند اما ایشان این وضعیت را در خصوص انقلاب اسلامی نفی کرده می‌وی فرمایند: چنانچه این انقلاب اسلامی یک انقلاب عادی نیست و متکی به هیچ یک از دو قطب شرق و غرب نمی‌باشد و از این جهت ویژگی‌های خاص خود را داشته و دارد.(۸)

نتیجه

براساس تئوریهایی موجود در ارتباط با انقلاب‌ها می‌توان گفت که عمده این نظرات منطبق با جوامع غربی بوده و به سختی می‌توان آنها را با پدیده بزرگی همچون انقلاب اسلامی مورد تطابق و ای‌زایی قرار داد. آنچه مسلم است هیچ یک از عوامل یاد شده در تئورهای انقلاب‌های جهان به صورت کامل درخصوص جامعه ایران مصداق نداشته و به همین دلیل بود که دستگاه‌های جاسوسی به دلیل عدم احتمال وقوع انقلاب در ایران از این کشور به عنوان جزیره ثابت و آرامش یاد می‌نمودند و بر همین اساس می‌توان نظریه حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر اینکه اراده الهی مبنای این پدیده بزرگ بوده حقیقتی غیرقابل انکار بوده و به نظر می‌رسد که با توجه به شرایط زمان وقوع انقلاب و آثار آن بر معادلات جهانی شروع و ادامه آن جز اصداد و برنامه الهی چیزی دیگر نمی‌تواند باشد.

- وحيتمنامه
- صحیفه امام ج ۴ ص ۲۳۰
- صحیفه امام ج ۱۶ ص ۱۶۳
- صحیفه امام ج ۸ ص ۲۷۱
- صحیفه امام ج ۱۶ ص ۹۹
- وحيتمنامه
- صحیفه امام ج ۱۵ ص ۱۴۷
- صحیفه امام ج ۱۸ ص ۴۴۲

معلوم نباشد. بعد می‌آوردند یک قسمت از آسایشگاه که سرباز عراقی از بیرون نتواند ببینند، نصب می‌کردند. آن وقت برنامه رزه داشتند در مقابل تصویر مبارک حضرت امام معمولاً برادران روحانی می‌آمدند و می‌ایستادند، تصویر مبارک حضرت امام هم بود، بیست و دوم بهمن رزه می‌فروختند.
یادم هست عراقیها ریختند داخل آسایشگاه، هر آسایشگاه معمولاً ۱۰ نفری بود. در حالی که در بین روز باید به صورت متعارف ۲۰فر در آسایشگاه باشند، عراقیها آمدند به آسایشگاه و حدود ۴۰۰ نفر را گرفتند و در را به روی چهما بستند و رفتند اتاق را قفلتیش کردند.

ابتدا که وارد شدند، افسر عراقی می‌آید و می‌گوید: ابوترابی کجاست؟ هرچه صدا می‌زند وسط اینها، می‌بیند من نیستم. در حالی که من ۲ تا ۳دقیقه قبل از آن اتاق خارج شده بودم. همه را زندانی کردند. من هم بعدازظهر رتم پیش او و گفتم: تا تو می‌خواهم که اینها را ببخشی، اینها همین طور برای خودشان جمع شده بودند، مسئله‌ای هم نبوده. به من گفتم: چون تو نبودی همه اینها را بر تو می‌بخشم! او آذانشان کرد.

در همان جریان، مکتس قدی حضرت امام را از اسرا گرفت. حدوداً ۹۰ سائتی‌تر مقد عکس بود. حضرت عراقی با تعجب به من گفت: آخر به من بگو ببینم، اینها که کاشف ندانند این کاغذ را از کجا می‌آوردند و آن قلم رنگی هایی که این عکس را کشیدند از کجا آمدند؟! برای او بجای تعجب داشت. ولی برای ما مشخص بود که برادرانمان این کاغذها و قلم‌ها را از انبار آورده بودند. عراقیها هم خبر نداشتند. انباری بود که اینها می‌رفتند و چیزهایی که مورد احتیاجشان بود بیرون می‌آوردند و عراقیها متوجه نمی‌شدند.مسئلهاتفاقاً، اسعز از حفظ، قرائت تجوید علمی و عملی داشته است!امروزه دفاع از شرافت انسانی در برابر اگله الاهدایها توربست، تنها و تنها از جنود خاندان برمی‌آید.اگر چه چشم تنگ دیدارلدیوست«دبیرکل سازمان‌ملا» که جز به خاک مذلت فروخته نمی‌شود، اما دیدگاه دید که سلفی‌ها برای همه دنیا و برای همه تاریخ مضرند زیرا سطحی‌ترین و سخیف‌ترین اندیشه را نمایندگی می‌کنند. اندیشه‌های که راضی به بیعت با دست خدا نیست و برای بیعت بر پای حجاج

میزان تاثیرگذاری رفتار دیندارانه اگرچه از میزان علم و معرفت دینی ناشی می‌شود ولی زمانی عمق پیدا می‌کند که با عبودیت خالص همراه باشد. ولایت برای اهل عبودیت نور مبین است... و علم و عمل سطحی‌نگران، چه کم و چه زیاد، حجاب این نور آشکار است. عده‌ای با اینکه به ظاهر، دیندارند ولی درک معنی از «دین» ندارند، فلذا از دین به صورت حداقلی استفاده می‌کنند (و تا جایی با دین همراه و همدل هستند که دنیای آنان را آباد کند و یا دست‌کم خراب نکند). اینان بالطبع به درد ایجاب «جوجل حداکثری» نمی‌خورند. انقلاب اسلامی، تجویلی حداکثری بود که از ایمان بنهان در درون جامعه ایرانی آغاز شد و این ایمان بنهان، تاثیرگذاری عمیق داشت (زیرا با عبودیت خالص همراه بود...) و این ایمان بنهان را سطحی‌نگران (چه دین‌ستیز و چه دیندار) هیچگاه درک نمی‌کنند.

افراد سطحی، چون ایمان به غیب ندارند، به سطوح نظاره می‌کنند و در استبداد پهلوی‌ها و در عیاشی عریان غرب‌زدگان و در تاراج مال و امال و تلذذ درغارت فرهنگ و اقتصاد ایران، «ایمان‌بنهان در لایه‌های جامعه ایرانی» را نمی‌بینند... و آنچه از افراد سطحی (چه عالم و چه عامی) نمی‌بینند، خمینی کبیر(ره) به برکت «ولایت» و به چشم زرفاگر و خداین می‌بیند... رهبر الهی، توانست این ایمان مستتر را بشناسد و به همین ایمان‌ها اعتماد کرد و با همدلی مردم (که جنود

میزان تاثیرگذاری رفتار دیندارانه اگرچه از میزان علم و معرفت دینی ناشی می‌شود ولی زمانی عمق پیدا می‌کند

که با عبودیت خالص همراه باشد. ولایت برای اهل عبودیت نور مبین است... و علم و عمل سطحی‌نگران، چه کم و چه زیاد، حجاب این نور آشکار است. عده‌ای با اینکه به ظاهر، دیندارند ولی درک معنی از «دین» ندارند، فلذا از دین به صورت حداقلی استفاده می‌کنند (و تا جایی با دین همراه و همدل هستند که دنیای آنان را آباد کند و یا دست‌کم خراب نکند). اینان بالطبع به درد ایجاب «جوجل حداکثری» نمی‌خورند. انقلاب اسلامی، تجویلی حداکثری بود که از ایمان بنهان در درون جامعه ایرانی آغاز شد و این ایمان بنهان، تاثیرگذاری عمیق داشت (زیرا با عبودیت خالص همراه بود...) و این ایمان بنهان را سطحی‌نگران (چه دین‌ستیز و چه دیندار) هیچگاه درک نمی‌کنند.

افراد سطحی، چون ایمان به غیب ندارند، به سطوح نظاره می‌کنند و در استبداد پهلوی‌ها و در عیاشی عریان غرب‌زدگان و در تاراج مال و امال و تلذذ درغارت فرهنگ و اقتصاد ایران، «ایمان‌بنهان در لایه‌های جامعه ایرانی» را نمی‌بینند... و آنچه از افراد سطحی (چه عالم و چه عامی) نمی‌بینند، خمینی کبیر(ره) به برکت «ولایت» و به چشم زرفاگر و خداین می‌بیند... رهبر الهی، توانست این ایمان مستتر را بشناسد و به همین ایمان‌ها اعتماد کرد و با همدلی مردم (که جنود

میزان تاثیرگذاری رفتار دیندارانه اگرچه از میزان علم و معرفت دینی ناشی می‌شود ولی زمانی عمق پیدا می‌کند که با عبودیت خالص همراه باشد. ولایت برای اهل عبودیت نور مبین است... و علم و عمل سطحی‌نگران، چه کم و چه زیاد، حجاب این نور آشکار است. عده‌ای با اینکه به ظاهر، دیندارند ولی درک معنی از «دین» ندارند، فلذا از دین به صورت حداقلی استفاده می‌کنند (و تا جایی با دین همراه و همدل هستند که دنیای آنان را آباد کند و یا دست‌کم خراب نکند). اینان بالطبع به درد ایجاب «جوجل حداکثری» نمی‌خورند. انقلاب اسلامی، تجویلی حداکثری بود که از ایمان بنهان در درون جامعه ایرانی آغاز شد و این ایمان بنهان، تاثیرگذاری عمیق داشت (زیرا با عبودیت خالص همراه بود...) و این ایمان بنهان را سطحی‌نگران (چه دین‌ستیز و چه دیندار) هیچگاه درک نمی‌کنند.

افراد سطحی، چون ایمان به غیب ندارند، به سطوح نظاره می‌کنند و در استبداد پهلوی‌ها و در عیاشی عریان غرب‌زدگان و در تاراج مال و امال و تلذذ درغارت فرهنگ و اقتصاد ایران، «ایمان‌بنهان در لایه‌های جامعه ایرانی» را نمی‌بینند... و آنچه از افراد سطحی (چه عالم و چه عامی) نمی‌بینند، خمینی کبیر(ره) به برکت «ولایت» و به چشم زرفاگر و خداین می‌بیند... رهبر الهی، توانست این ایمان مستتر را بشناسد و به همین ایمان‌ها اعتماد کرد و با همدلی مردم (که جنود

میزان تاثیرگذاری رفتار دیندارانه اگرچه از میزان علم و معرفت دینی ناشی می‌شود ولی زمانی عمق پیدا می‌کند که با عبودیت خالص همراه باشد. ولایت برای اهل عبودیت نور مبین است... و علم و عمل سطحی‌نگران، چه کم و چه زیاد، حجاب این نور آشکار، جز به چشم ولی‌شناسان روشنائی ندارد، هیچ عزتی نمی‌توان به غیراهل ولایت (که جنود بی‌باک الله هستند) تصور کرد... این سنت لا‌تغییر الهی است: «عزت در عبودیت محض است.» و البته عبودیت، جهاد فی‌الله است (آن‌سان که عبادت، جهاد فی‌سبیل‌الله است) جنود خدا، هیچ گاه سلاح خویش را بر زمین نمی‌گذارند. ذلت سطحی‌نگران را نستیی با عزت زرف‌بنیان نیست. آنچه عزت را از خانه طاغوت‌های زمانه‌اش بچوید، به خاک مذلت خواهد نشست... و این سنت الهی را در سرگذشت اهل کوفه بارها خوانده‌ایم. آنکه با علی علیه‌السلام بیعت نکند ناچار باید به پای حجاج ثقفی‌ها بوسه بیعت برزند! دینداران سطحی، «مخزن‌الاسرار» طاغوت‌های زمان بودند.

براساس تئوریهایی موجود در ارتباط با انقلاب‌ها می‌توان گفت که عمده این نظرات منطبق با جوامع غربی بوده و به سختی می‌توان آنها را با پدیده بزرگی همچون انقلاب اسلامی مورد تطابق و ای‌زایی قرار داد. آنچه مسلم است هیچ یک از عوامل یاد شده در تئورهای انقلاب‌های جهان به صورت کامل درخصوص جامعه ایران مصداق نداشته و به همین دلیل بود که دستگاه‌های جاسوسی به دلیل عدم احتمال وقوع انقلاب در ایران از این کشور به عنوان جزیره ثابت و آرامش یاد می‌نمودند و بر همین اساس می‌توان نظریه حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر اینکه اراده الهی مبنای این پدیده بزرگ بوده حقیقتی غیرقابل انکار بوده و به نظر می‌رسد که با توجه به شرایط زمان وقوع انقلاب و آثار آن بر معادلات جهانی شروع و ادامه آن جز اصداد و برنامه الهی چیزی دیگر نمی‌تواند باشد.

- وحيتمنامه
- صحیفه امام ج ۴ ص ۲۳۰
- صحیفه امام ج ۱۶ ص ۱۶۳
- صحیفه امام ج ۸ ص ۲۷۱
- صحیفه امام ج ۱۶ ص ۹۹
- وحيتمنامه
- صحیفه امام ج ۱۵ ص ۱۴۷
- صحیفه امام ج ۱۸ ص ۴۴۲

معلوم نباشد. بعد می‌آوردند یک قسمت از آسایشگاه که سرباز عراقی از بیرون نتواند ببینند، نصب می‌کردند. آن وقت برنامه رزه داشتند در مقابل تصویر مبارک حضرت امام معمولاً برادران روحانی می‌آمدند و می‌ایستادند، تصویر مبارک حضرت امام هم بود، بیست و دوم بهمن رزه می‌فروختند.
یادم هست عراقیها ریختند داخل آسایشگاه، هر آسایشگاه معمولاً ۱۰ نفری بود. در حالی که در بین روز باید به صورت متعارف ۲۰فر در آسایشگاه باشند، عراقیها آمدند به آسایشگاه و حدود ۴۰۰ نفر را گرفتند و در را به روی چهما بستند و رفتند اتاق را قفلتیش کردند.

ابتدا که وارد شدند، افسر عراقی می‌آید و می‌گوید: ابوترابی کجاست؟ هرچه صدا می‌زند وسط اینها، می‌بیند من نیستم. در حالی که من ۲ تا ۳دقیقه قبل از آن اتاق خارج شده بودم. همه را زندانی کردند. من هم بعدازظهر رتم پیش او و گفتم: تا تو می‌خواهم که اینها را ببخشی، اینها همین طور برای خودشان جمع شده بودند، مسئله‌ای هم نبوده. به من گفتم: چون تو نبودی همه اینها را بر تو می‌بخشم! او آذانشان کرد.

در همان جریان، مکتس قدی حضرت امام را از اسرا گرفت. حدوداً ۹۰ سائتی‌تر مقد عکس بود. حضرت عراقی با تعجب به من گفت: آخر به من بگو ببینم، اینها که کاشف ندانند این کاغذ را از کجا می‌آوردند و آن قلم رنگی هایی که این عکس را کشیدند از کجا آمدند؟! برای او بجای تعجب داشت. ولی برای ما مشخص بود که برادرانمان این کاغذها و قلم‌ها را از انبار آورده بودند. عراقیها هم خبر نداشتند. انباری بود که اینها می‌رفتند و چیزهایی که مورد احتیاجشان بود بیرون می‌آوردند و عراقیها متوجه نمی‌شدند.مسئلهاتفاقاً، اسعز از حفظ، قرائت تجوید علمی و عملی داشته است!امروزه دفاع از شرافت انسانی در برابر اگله الاهدایها توربست، تنها و تنها از جنود خاندان برمی‌آید.اگر چه چشم تنگ دیدارلدیوست«دبیرکل سازمان‌ملا» که جز به خاک مذلت فروخته نمی‌شود، اما دیدگاه دید که سلفی‌ها برای همه دنیا و برای همه تاریخ مضرند زیرا سطحی‌ترین و سخیف‌ترین اندیشه را نمایندگی می‌کنند. اندیشه‌های که راضی به بیعت با دست خدا نیست و برای بیعت بر پای حجاج

میزان تاثیرگذاری رفتار دیندارانه اگرچه از میزان علم و معرفت دینی ناشی می‌شود ولی زمانی عمق پیدا می‌کند که با عبودیت خالص همراه باشد. ولایت برای اهل عبودیت نور مبین است... و علم و عمل سطحی‌نگران، چه کم و چه زیاد، حجاب این نور آشکار، جز به چشم ولی‌شناسان روشنائی ندارد، هیچ عزتی نمی‌توان به غیراهل ولایت (که جنود بی‌باک الله هستند) تصور کرد... این سنت لا‌تغییر الهی است: «عزت در عبودیت محض است.» و البته عبودیت، جهاد فی‌الله است (آن‌سان که عبادت، جهاد فی‌سبیل‌الله است) جنود خدا، هیچ گاه سلاح خویش را بر زمین نمی‌گذارند. ذلت سطحی‌نگران را نستیی با عزت زرف‌بنیان نیست. آنچه عزت را از خانه طاغوت‌های زمانه‌اش بچوید، به خاک مذلت خواهد نشست... و این سنت الهی را در سرگذشت اهل کوفه بارها خوانده‌ایم. آنکه با علی علیه‌السلام بیعت نکند ناچار باید به پای حجاج ثقفی‌ها بوسه بیعت برزند! دینداران سطحی، «مخزن‌الاسرار» طاغوت‌های زمان بودند.

براساس تئوریهایی موجود در ارتباط با انقلاب‌ها می‌توان گفت که عمده این نظرات منطبق با جوامع غربی بوده و به سختی می‌توان آنها را با پدیده بزرگی همچون انقلاب اسلامی مورد تطابق و ای‌زایی قرار داد. آنچه مسلم است هیچ یک از عوامل یاد شده در تئورهای انقلاب‌های جهان به صورت کامل درخصوص جامعه ایران مصداق نداشته و به همین دلیل بود که دستگاه‌های جاسوسی به دلیل عدم احتمال وقوع انقلاب در ایران از این کشور به عنوان جزیره ثابت و آرامش یاد می‌نمودند و بر همین اساس می‌توان نظریه حضرت امام خمینی(ره) مبنی بر اینکه اراده الهی مبنای این پدیده بزرگ بوده حقیقتی غیرقابل انکار بوده و به نظر می‌رسد که با توجه به شرایط زمان وقوع انقلاب و آثار آن بر معادلات جهانی شروع و ادامه آن جز اصداد و برنامه الهی چیزی دیگر نمی‌تواند باشد.

صفحه ۸
یکشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۲
۹ ربیع الثانی ۱۴۳۵ - شماره ۲۰۷۰۸

انقلاب اسلامی و محاسبات سلفی‌گری

«ولایت»، تنها برای پیروان، «نور مبین» است و ولایت‌پذیری، دین عمیق است. سطحی‌نگران چه

دیندار باشند و چه دین‌ستیز به کار «انقلاب اسلامی» نمی‌آیند.

ثقفی‌ها، نیمه شب به در خانه طاغوت می‌روند!

سلفی‌گری با تمام محاسبه‌های مناقطه‌ای که برای کودتای سقیفیه بنی‌ساعده کرده بود، از نقش فاطمه علیها‌السلام در دفاع از ولایت غافل ماند و دیدیم این غفلت، اشک سیاسی فاطمه علیها‌السلام را تحمل نکرد و اشک به خون بدل شد!

روح خسدار(ره) زرف‌نگر بود و به چشم خداین، ایمان بنهان در لایه‌های جامعه را آشکارا دید و با تکیه بر جنود الله، طاغوت را به خاک مذلت نشانند. سطحی‌نگران (چه روشن‌فکر و چه متحجر) به کار انقلاب اسلامی نمی‌آیند. سلفی‌گری ۱۴۳۵ هجری، روی دیگر سکولاریسم ۲۰۱۴ میلادی می‌باشد همانطور که کوفه «مخزن‌الاسرار» کاخ خضرا بود. معاویه، سکولارترین سلفی تمام تاریخ است، به همان دلیل که تحمل اشکهای فاطمه علیها‌السلام برای افراد سطحی سخت است! قهرمان بی‌مانند انقلاب اسلامی کربلا، بانویی است که کاخ خضرای سکولاریسم را با سلاح اشک فتح کرد. سلفی‌های سعودی پهلودی برای بازپس‌گیری شامات باید اشکها را بدل به خون کنند... و اشکهای سلفی که به خون بدل شده است، حق جهاد را ادا می‌کنند. دفاع از حرم قهرمان، انقلاب، «جهاد فی‌الله» است و سلفی‌گری از زرف‌نگری روح

خدا هستند) طاغوت‌ها را به خاک مذلت نشانند...

زرف‌نگری روح خسدار(ره) را نستیی به افراد سطحی‌نیست: «ما اگر از آمریکا و شوروی و صدام بگذریم هیچگاه از «عربستان» نخواهیم گذشت...» برادر خوانده‌های ملک عبدالله سعودی، چون اهل بیعت با «سیدعلی» نیستند، به پای حرامزادگان صهیونیسم بوسه بیعت خواهند زد... زرف‌نگری روح خدا را در شناخت ریشه‌ها می‌توان دید؛ عبودیت خالص، چشمه‌های حکمت را از قلب سلیم او به زبان مبارکش جاری «می‌کند.» (مضارع بودن فعل، دلیلی است بر استمرار این فیض الهی در عصر ما... ما سیدعلی را نه «حکمتی‌دیرگ» بلکه «حکمتی» می‌انیم...) ولی خدا به جنود دولت مردمی خویش آموخته است که سلفی‌گری و سکولاریسم دو روی یک سکه‌اند زیرا مرانمسه حقیقت آنها اشتراک حیرت‌آوری دارد: هر دو به تخریب دین و دنیای مستضعفین جهان به نفع فروغنها می‌پردازند. حماقت سلفی‌ها در حکمرانی ابلهانه‌شان بر سرزمین‌های نفت‌خیز هویدایست (دل‌سخت‌ترین دشمنان ما به سعودی‌ها و آمریکا و پامپال شدن خون مظلومان مصری و انحراف انقلاب، قابل پیش‌بینی بود... هر چند هنوز امید وجود سلفی‌های ظاهر پرست و سکولارهای ضدباطن، هر دو چهار نعل در جبهه صهیونیسم می‌کشند و به قصد تخریب دین و دنیای مظلومان عالم، جنایت می‌کنند و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب یقبلون!...

عصر ما، عصاره همه اعصار است. پیچیدگی فتنه آخرالزمان را در این دوره عجیب ناظر و شاهدیم و جنتی برای «بی‌طرفی» نداریم. وقتی برادران مظلوم اهل سنت را می‌بینیم که آبرویشان به دست وقیح‌ترین گروگهای جگرخوار می‌باد به می‌رود... وقتی شیعه‌کشی، افتخار سرویس‌های امنیتی سعودی، پهلودی شده است... وقتی دبیرکل چشم‌تنگهای دنیا‌دوست، کمترین احتمال وجود شرافت را از خود دور کرده است... وقتی ادب دیپلماتیک صفاقورت داده‌های فضاهای غیرمجاز، ایجاب می‌کند به حرم‌های زمان لیجنند بزنند... وقتی در مسابقه مقام‌ستیزی، یقه سفیدها نعل وارونه می‌زنند و... بیادست همه، عصاره همه اعصار است!

خطبه‌های قهرمانانه زینب‌کبری علیها السلام در مقابل کاخ سفید و سازمان ملل، با صدای روح خدا و سیدعلی به گوش می‌رسد، هرچند افراد سطحی که مستول و به گوش غیرمستول) با هیاهوی رسانه‌ها پخوانند کربم به گوش مستضعفین نرسد. عصر ما به برکت انقلاب اسلامی عصر ایابدالله علیه‌السلام است. «لاایوم کیومک با ایابدالله» اشکها، سلاح جنود خداست و اهل این مکتب هیچ گاه سلاح واجب را بر زمین نمی‌گذارند.

عصر ما، عصاره همه اعصار است. پیچیدگی فتنه آخرالزمان را در این دوره عجیب ناظر و شاهدیم و جنتی برای «بی‌طرفی» نداریم. وقتی برادران مظلوم اهل سنت را می‌بینیم که آبرویشان به دست وقیح‌ترین گروگهای جگرخوار می‌باد به می‌رود... وقتی شیعه‌کشی، افتخار سرویس‌های امنیتی سعودی، پهلودی شده است... وقتی دبیرکل چشم‌تنگهای دنیا‌دوست، کمترین احتمال وجود شرافت را از خود دور کرده است... وقتی ادب دیپلماتیک صفاقورت داده‌های فضاهای غیرمجاز، ایجاب می‌کند به حرم‌های زمان لیجنند بزنند... وقتی در مسابقه مقام‌ستیزی، یقه سفیدها نعل وارونه می‌زنند و... بیادست همه، عصاره همه اعصار است!

خطبه‌های قهرمانانه زینب‌کبری علیها السلام در مقابل کاخ سفید و سازمان ملل، با صدای روح خدا و سیدعلی به گوش می‌رسد، هرچند افراد سطحی که مستول و به گوش غیرمستول) با هیاهوی رسانه‌ها پخوانند کربم به گوش مستضعفین نرسد. عصر ما به برکت انقلاب اسلامی عصر ایابدالله علیه‌السلام است. «لاایوم کیومک با ایابدالله» اشکها، سلاح جنود خداست و اهل این مکتب هیچ گاه سلاح واجب را بر زمین نمی‌گذارند.

عصر ما، عصاره همه اعصرهاست، زیرا صاحب عصر(عج) ما عصاره همه نبوت‌ها و ولایات‌هاست. همو که می‌فرماید: ای حسین! ای که در تمام خیره‌ها، اثر انگشت اراده تو دیده می‌شود! ای حسین! ای که پرچم انقلاب را به دست خواهر قهرمانت دادی! حسین! ای که فقر اسلام آمریکایی، صهیونیسم، رزور و شب برایت اشک خواهم ریخت، اگر این چشمه بخشدک برایت خون خواهم گریست» که خون همیشه بر شمشیر پیروز است.

آدمکش بی‌شرف، همه و همه جبهه واحدی تشکیل دادند و هدششان شکست اسلام حقیقی و عاشورا،ی رهبری ایران و هدششان شکست نهضت زمینه‌سازان ظهور است و بس.
در و این فضای فتنه‌آلود، متأسفانه بسیاری از مسلمین ناآگاه و افراتی نیز همراه شده‌اند تا این علم و این نهضت زمینه‌ساز را به شکست بکشاند که اگر این اتفاق بیفتد سالها و شاید صدها سال دیگر باید شیعه خون دل بخورد تا تحقق وعده الهی را نزدیک ببیند. شام نقطه شروع حرکت ابناء لویسوفان ملعون است. و این خاکریز نباید فرو بریزد. این حرکت خطرناک و این تفکر آدمکش اربابی، بر و بال گرفته و حمام خون بین شیعیان و سایر مسلمین راه می‌اندازد و هیچ حرمتی از حرمین شریفین زینب کبری (سلام‌الله علیها) و نام‌رقیه (سلام‌الله علیها) آحفظ نخواهد کرد! از هیچ، حرمت عتبات مقدسه کربلا نجف، سامرا، کاظمین و... را هم خواهد شکست. جبهه جدیدی که از تفکر اسلام آمریکایی، صهیونیسم و اهراب از کشورهای مختلف از جمله افغانستان، پاکستان، آمریکا، اروپا، یمن، ترکیه، عربستان، قطر، آذربایجان، امارات، کویت، لیبی، فلسطین، مصر، اردن و... به نام جهاد فی سبیل‌الله تشکیل شده است، هدف نهائیش فقط و فقط جلوگیری از نهضت زمینه‌سازان ظهور و در نهایت مقابله با تحقق وعده الهی ظهور می‌باشد و هیچ ابایی از کشتن و منگ کردن و سر بریدن زنان و کودکان بی‌گناه شیعه ندارد، کما اینکه این اتفاق را الان به وفور می‌توان مشاهده کرد و من دیده‌ام. مسئولیت سنگینی بر دشمنان گذاشته شده است و اگر توانمیز، از پیش برآییم، شرمند و خجل باید به حضور خاندان و نیاش و ولی‌اش برسیم چرا که مقصدمر کل نومل عاشورا و کل ارض کربلا و بقول سید مرتضی آوینی این یعنی ذلت اشکهای خون‌آلود است که به صف عاشورا، بی‌بیانیت و بی‌انداز و به حضور خاندان و نیاش و ولی‌اش بخردا شویم. آن‌شاهانه در پناه حق و تا آتحقق! وعده الهی و باری دولت ایشان خواهیم جنگید. اعدا بالله من‌الشیطان الرجیم فضل‌الله المجاهدین علی‌القاعدین اجرا عظیمان‌الله شاهانه»

سلام و درود ما بر مجاهدان راه حق



نامه‌ای از شهید مدافع حرم «شهید محمودرضا بیضایی»

خط مقدم نبرد شام است

«این بار تن به اسارت ال‌الله نخواهیم داد» تیزبرحمتوای نامه‌ای است از شهید مدافع حرم، به همسر معزز، ولایتی و بصور خود که آن را در شب شهادت امیرالمؤمنین(ع) در ماه مبارک رمضان در سوریه نگذاشته است. «سیدالله الرحمن‌الرحیم... باید به خودمان قبولیون که در این زمان به دنبال آدم‌هایم و شیعه هم به دنیا آدم‌های کم‌مؤثر در تحقق ظهور مولا باشیم و این همراه با تحمل مشکلات، مصائب، سختی‌ها، غربت‌ها و دوری‌هاست و جز با خدا ظهور محقق نمی‌شود حقیقتاً... نمی‌خواهم حرف‌های امانگرایانه بزنم و با غیر واقعی صحبت کنم؛ نفا حقیقتاً در مسیر تحقق وعده بزرگ الهی قرار گرفته‌ایم. هم من، هم تو، بحمدالله. خدا را باید به خاطر این شرایط و این توفیق بزرگ شاکر باشیم. الان که این نامه را برایت می‌نویسم، شب قدر است و شب شهادت حیدر کرار (علیه‌السلام) و در فضای ملکوتی بین‌الحرمین- صبر و امیدایمان و امیدایمان و آدم‌کش... که بگویم از اوضاع اینجا تاریخ دوباره تکرار شده و این بار ابناء لویسوفان و آل سفیان بار دیگر ال‌الله را محاصره کرده‌اند؛ هم مرقط مطهر خاتم زینب کبری و هم مرقط مطهر دررانه اهل بیت، رقیه (سلام‌الله علیها)، ولی این بار تن به اسارت ال‌الله نخواهیم داد چرا که به قول امام(ره) مردم ما

^[1]
^[2]